

تربیت اجتماعی

حجت الاسلام والمسلمین

دکتر بهرام محمدیان

همان‌گونه که انسان دارای ابعاد مختلف وجودی و استعداد‌های متنوع و گوناگون است، تربیت نیز دارای ابعاد مختلف است. یکی از ابعاد وجودی انسان، اجتماعی بودن اوست که در مقام تربیت باید بدان توجه شود. به همین خاطر یکی از وظایف والدین و مربیان در تربیت فرزندان و نسل آینده، توجه به تربیت اجتماعی آنان است تا استعدادها و توانایی‌های آنها در

در بخشهای پیشین، بیشتر از حقوق دوران کودکی سخن گفتیم. آنچه در این قسمت و مباحث آتی از آن سخن می‌گوییم ناظر به حقوق دوره نوجوانی و جوانی خواهد بود.

نگرشی بر:

حقوق

نوجوانان

و جوانان

از دیدگاه

اسلام



دستورهایی ارائه کرده است.

دین اسلام پایه‌های تربیت را در درون افراد بیان گذارده و آنها را به رعایت اصولی سفارش کرده است که در صورت تحقق آنها در وجود افراد، نظام اجتماعی از ثمرات مفید آن یعنی تعادل، روابط پایدار، محبت متقابل، نظارت و مراقبت اجتماعی و ... بهره‌مند می‌شود.

تقوی، برادری، عفو و بخشش، ترحم و دلسوزی، رعایت حقوق دیگران، جرأت و شهامت داشتن، ایثار و گذشت، مشورت کردن، تعاون و همکاری و ... جزو اصول تربیت اجتماعی است که اسلام بدان سفارش کرده است و بی هیچ تردیدی خانواده اولین نهادی است که این اصول در آن تجربه می‌شود و کودکان و نوجوانان در رفتار اعضای خانواده آنها را به نظاره می‌نشینند.

به همین دلیل از نظر اسلام خانه‌ای محبوب و مطلوب است که نام و یاد خدا از آن بلند شود^۱ و پدران و مادران موظفند که محیط خانه را محیطی الهی سازند و آن را به نور تلاوت قرآن روشن کرده^۲، خانه را محل عبادت و عبودیت قرار دهند.^۳ همچنین رعایت انصاف و عدالت در میان فرزندان^۴، ترحم و دلسوزی نسبت به کودکان^۵، احترام و توقیر بزرگان و سالمندان^۶، تعاون و همکاری در انجام امور خانه^۷، عفو و اغماض از خطا و اشتباه اعضای خانواده و یا خدمتکاران^۸، و ... را توصیه کرده است تا کودکان و نوجوانان الگوی عملی و نمونه عینی آنها را در زندگی خانوادگی ببینند و در عرصه زندگی اجتماعی خویش آنها را بکار ببندند.

عرصه حیات اجتماعی شکوفا شود و بتوانند به صورت فعال و موفق در زندگی جمعی حضور یابند. به تعبیر دیگر اجتماعی تربیت شدن فرزندان یکی از حقوق است که فرزندان بر عهده والدین خویش و مربیان و معلمان خود دارند.

تربیت اجتماعی از دیدگاه ما عبارت است از تأدیب فرزند بر اساس التزام به آداب اجتماعی و اصول ارزشمند اخلاقی و روانی که از سرچشمه تعالیم اسلامی و ادراک و معرفت دینی اقتباس می‌شود تا فرزندان از همان دوره کودکی بتوانند به بهترین صورت ممکن در جامعه حضور پیدا کنند و از حسن رفتار با دیگران و تعادل روحی و روانی و عقل و خرد در انجام امور برخوردار باشند. البته تربیت اجتماعی ماحصل و نتیجه سایر مراحل تربیتی یا حداقل گره خورده با دیگر مراحل تربیتی است. لذا تربیت اجتماعی را مجزّد از سایر مراحل نمی‌توان متصور شد. اخلاق اجتماعی از درون انسان سرچشمه می‌گیرد، ولی اثر آن به صورت سیاست و برخورد مناسب اخلاقی، رعایت ادب و احترام و حقوق سایرین، مشارکت اجتماعی، تعادل عقلانی و نظارت اجتماعی بروز می‌کند.

تجربه بشری نشانگر این است که سلامت نظام اجتماعی و ثبات و پایداری آن به توانایی و آمادگی و سلامت افراد آن جامعه بستگی دارد. اسلام به عنوان یک دین جامع‌نگر که به کلیه شؤون حیات انسان توجه دارد، به تربیت اجتماعی انسان نیز توجه خاص مبذول داشته و برای تربیت انسانهایی منضبط و دارای توازن روحی و تعادل اخلاقی و خردورز که در عرصه حیات جمعی به صورت واقع‌نگر حضور یابند،

* مشورت کردن با فرزندان

یکی از راههای تربیت اجتماعی فرزندان ، نقش دادن به آنان در زندگی و میدان دادن برای پذیرش مسؤولیت و ایفای آن است . در روایات اسلامی در ذکر مراحل تربیت فرزندان به این نکته اشاره شده است که کودکان در هفت سال اول زندگی آزادند و در هفت سال دوم باید تحت تعلیم و تأدیب قرار گیرند و در هفت سال سوم از آنان به عنوان وزیر نام می برد. در لغت ، وزیر به معنای پشتوانه و پشتیبان ، کسی است که بتواند مسؤولیتی را بپذیرد و همچنین به عنوان مشاور از او یاراد شده است . لازمه چنین نامگذاری در هفت سال سوم ، تربیت و آمادگی فرزند برای پذیرش مسؤولیت در دوره قبل است . با توجه به تعبیر روایت نبوی که می فرماید: "أَوْلَادُ سِنَةٍ سَنَعٌ سِنِينَ وَ عِبَادٌ سَنَعٌ سِنِينَ" و وزیر سَنَعٌ سِنِينَ^۹ ، معلوم می شود که فرزند تا هفت سالگی مانند سروری است که باید مورد احترام و اطاعت قرار گیرد و بر پدر و مادر است که خواستهای صحیح بچگانه اش را به نحوی شایسته برآورده سازند و از هفت تا چهارده سالگی باید در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای فطری او ، به آموزش و پرورش وی همت گمارند و از زمان بلوغ که به تعبیری دوره جوانی و استقلال فرزند آغاز می شود ، والدین باید به شخصیت و افکار وی بیش از پیش بها داده ، او را در امور خانه و خانواده شریک قرار دهند و از فکر و اندیشه او بهره ببرند . نوجوانان در چنین سنینی علاقه مند به بروز شخصیت مستقل و نشان دادن توانایی ها و استعداد های درونی خود هستند ، که اگر بستر مناسب و زمینه مساعدی برای آن پیدا شود ، یقیناً در رشد و شکوفایی متعادل شخصیت آنان

تأثیر بسزایی خواهد داشت . اما متأسفانه برخی از والدین به این موضوع توجه نمی کنند و با توجهاتی غیر قابل قبول ، از این امر طفره می روند . مثلاً برخی خامی و ناپختگی رأی جوان را بهانه قرار می دهند ، در حالی که باید توجه داشت برای هرکاری نقطه شروعی است . پختگی و صاحب صلاحیت شدن صالحان نیز نقطه آغازی داشته است و گرنه هیچ کس نباید دست به اقدامی بزند که بیشتر آن را تجربه نکرده باشد . شبیه همین معنا را در سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شاهد هستیم که آن حضرت بعد از فتح مکه ، یکی از یاران جوان خویش را به نام عتاب بن أسید که بیست و یک سال بیشتر نداشت



پذیرش نقش در انجام وظایف اجتماعی است. در تکمیل آنچه در بخش پیشین عنوان شد، علاوه بر نظرخواهی از نوجوانان و جوانان باید انجام برخی از امور را نیز به آنان واگذار کرد تا خود را بنمایانند. نشان دادن خود در دوره نوجوانی و جوانی امری طبیعی است. اگر فرصت مناسب و زمینه‌های معقول "ارائه خود و اظهار من" برای نوجوانان و جوانان فراهم نیاید، این نیاز به صورت غیرمنطقی و نامعقول اشباع خواهد شد. به طور مثال توجه به زیبایی ظاهر، آرایش، زینت و نوعی خودنمایی در سنین ۱۵ - ۱۶ سالگی شکوفا می‌شود و اینها علائم همان نیاز "توجه به من" است. امام صادق علیه‌السلام وظیفه پدران و مادران و مربیان را در این سنین همراهی و مراقبت از دختران و پسران می‌داند.^{۱۲}

پدر و مادر در این دوره حساس باید در چهره یک دوست صمیمی و یک همفکر صادق با فرزند مواجه شوند و ضمن اینکه به توانایی‌ها و استعدادها وی اقرار می‌کنند به نیازهای بدنی، روانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و دینی او نیز باید توجه داشته باشند. آنها علاوه بر اینکه می‌خواهند محبوب پدر و مادر باشند دوست دارند که دیگران نیز از آنها تمجید و تحسین کنند، از جمله راههای مناسب برای نیل به این منظور، فرصت دادن برای مشارکت در فعالیتهای جمعی است، به نوعی که نوجوانان و جوانان ما با تصویری روشن از مسؤلیت محول شده، توانایی خود را در حدود اختیاری که دارند نشان دهند و قابلیت‌های خود را به نمایش بگذارند. در سیره نبوی حتی واگذاری مسؤلیت‌های مهم نیز به جوانان به چشم می‌خورد و این موضوع حکایت از اعتقاد و

به‌عنوان فرماندار مکه منصوب کرد. این انتصاب برای برخی از سالخوردگان گران آمد. حضرت خطاب به آنان نوشت: "لَا يَخْتَجُّ مُخْتَجِّ مِّنْكُمْ فِي مُخَالَفَتِهِ بِصَفَرٍ سِنَّهُ . فَلَيْسَ الْأَكْبَرُ هُوَ الْأَفْضَلُ بَلَى الْأَفْضَلُ هُوَ الْأَكْبَرُ"^{۱۱} - هیچ یک از شما نباید به دلیل جوان بودن او اعتراض کند. زیرا آن کس که سنش زیادتر است، لزوماً برتر و بهتر نیست، بلکه آن کسی که فضیلت بیشتری دارد، بزرگتر و برتر است.

البته توصیه به مشورت، یک سفارش قرآنی است که از ویژگی‌های جامعه ایمانی شمرده شده است. قرآن در وصف حال مؤمنان می‌فرماید: "وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ"^{۱۲} - مؤمنان در کارهایشان با همدیگر مشورت می‌نمایند. یقیناً بر فرزندان ما که آینده‌سازان جامعه اسلامی هستند لازم است این آمادگی را در محیط زندگی خانوادگی و در ایام تحصیل در مدرسه کسب نمایند. مشورت کردن و نظر خواستن از فرزندان نوعی جلب مشارکت است و همین امر موجب رشد و تعالی شخصیت آنان می‌گردد. بطور مثال نوجوان و یا جوانی که طرف مشورت والدین یا معلمان و یا دوستان قرار می‌گیرد، احساس مفید بودن و مستقل بودن می‌نماید که به نوعی مسؤلیت متوجه او شده است، در این حالت است که او با مشکلات درگیر می‌شود و در مبارزه با مشکلات و راه‌حل یافتن برای آنها استعدادهای نهفته وی شکوفا می‌گردد و اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کند.

* سپردن مسؤلیت

یکی از راههای تربیت اجتماعی فرزندان، فراهم کردن زمینه‌های ایفای مسؤلیت و



اعتماد آن حضرت به این روش دارد. درخشیدن چهره‌هایی همچون مصعب بن عمیر، عمار یاسر، زید بن حارثه و اسامه بن زید در گرداگرد پیامبر (ص) دلیل این مداخلت است.

و در همین دوره اخیر نیز شاهد ظهور نوجوانان و جوانانی بودیم که در نهضت امام خمینی (ره) خوش درخشیدند و در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و بازسازی، نقش بی‌بدیل آفریدند و چهره‌های نوجوانی مانند شهید محمد حسین فهمیده، عنوان رهبر سیزده ساله دریافت نمودند. در مقابل اگر پدران و مادران، معلمان و مربیان و مسؤولان اجتماعی به این نیاز روانی نسل نو توجه نکنند و آنها را در پاسخگویی صحیح به این نیاز مهیا نمانزند و مراقب نباشند، انحرافی بروز می‌کند که آسیب‌های اجتماعی آن جبران‌ناپذیر خواهد بود.

* یاری کردن در انتخاب دوست

یکی از مراحل حساس و مهم تربیتی،

انتخاب دوست است. هر چند فرزندان ما از دوره کودکی با همبازیهای خود رابطه دوستانه را تجربه می‌کنند، اما نقش دوستان در دوره نوجوانی و جوانی برجسته و پررنگتر است. با توجه به اینکه نوجوانان بیشتر تمایل به بروز شخصیت مستقل خود دارند و نمی‌خواهند تابع محض دیگران باشند، علاقه‌مند هستند با ملحق شدن به گروه‌های همسال، ابراز وجود نمایند. در چنین دوره‌ای نباید والدین از اجبار و تحمیل استفاده نمایند و یا مانع بحث و گفت‌وگوهای آنان در محیط خانوادگی و یا جمع‌های دوستانه باشند. در این سنین نمی‌توان نوجوانان را از معاشرت و دوستی با همسالان و همکلاسان بازداشت. البته انتخاب دوست و حضور در جمع‌های دوستانه و گروه‌های همسال برای تربیت اجتماعی فرزندان لازم است، زیرا نوجوان در گروه‌های همسال، و در میان همکلاسان ارتباط‌های میان خود و دیگران را در می‌یابد و آثار رفتار خود با دیگران را مشاهده می‌کند. گاهی با گفتن کلمه‌ای،

کردار از خانواده جدا شود و با دیگران ببینند، با ارائه معیار و تعیین ضابطه یاری رسانند. برخی از علمای تربیتی این دوره را "از شیر گرفتن روانی" نام نهاده‌اند و می‌گویند یک فرد سه مرتبه از خانواده جدا می‌شود: مرتبه اول موقع به دنیا آمدن و بریدن از بند ناف و جدا شدن از رحم مادر است، مرتبه دوم جدا کردن کودک از پستان مادر یا به اصطلاح از شیر گرفتن کودک است و مرتبه سوم را دوران بلوغ می‌دانند و می‌گویند نوجوان از خانه جدا می‌شود و به اجتماعات پناه می‌برد.^{۱۳}

البته این جدا شدن و پیوستن یکی از مقاطع حساس زندگی انسانی و مراحل مهم تربیتی است و از دیدگاه روایات اسلامی این دوره در صلاح و فلاح و یا فساد و تباهی انسان نقش دارد. آنچه بر زبان مَثَل جاری است، درست است که گفته‌اند: "الصَّاحِبُ سَاحِبٌ - دوست، آدمی را به دنبال خود می‌کشد.
عَنِ النَّزْوِ لَا تَسْأَلُ وَتَسْأَلُ عَنْ قَرِينِهِ

دوستانش را می‌رنجاند و آنها را از خود دور می‌کند و یا اینکه باعث افزایش محبت و علاقه آنان می‌گردد. این برخوردها داد و ستدهای تجربی هستند که پایه‌های رفتارهای اجتماعی را استحکام می‌بخشند. پدر و مادر در این دوره باید فرزند نوجوان خود را با معیارها و میزانها آشنا کنند و از تعیین مصداقها و به تعبیر بهتر از تحمیل مصداقها بپرهیزند. زیرا اگر والدین نوجوان امروز را کودک مطیع دیروز بدانند و او را بیش از حد امر و نهی کنند، خود را دچار بحران خواهند کرد. به تعبیر یکی از صاحب نظران، در این سنین نقش والدین شبیه نقش نجات دهنده غریق است. به این معنی که نجات دهنده غریق مانع شنا کردن کسی نمی‌شود، ولی مراقبت می‌کند تا کسی غرق هم نشود.

پدر و مادر در این دوره باید نوجوان خود را که علاقه‌مند است به خاطر کسب استقلال و به دست آوردن آزادی عمل در کارها و رفتار و



فَكُلُّ قَرِيبٍ بِالْمُقَارَبَةِ يَسْتَقْبَلِي
از شخص مپرس (که کیستی)، بلکه در باره
دوستانش مپرس، زیرا هر همنشینی به همنشین
خود اقتدا می‌کند.

تو اول بگو با کیسان دوستی
من آنکه بگویم که تو کیستی
در روایات اسلامی، از سوی معصومین
علیهم‌السلام خطاب به فرزندان‌شان، معیار و
ضابطه انتخاب دوست ارائه شده است که
برخی از آن روایات را نقل می‌کنیم:

پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:
"الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنْ
يُخَالِلُ" ۱۲

"آدمی تحت تأثیر دوست خود است. هر
کدام از شما در انتخاب دوست باید دقت کند که
با چه کسی طرح دوستی می‌ریزد."

علی علیه‌السلام می‌فرماید: "مَنْ اتَّخَذَ أَخًا
مِنْ غَيْرِ إِخْتِيَارِ النَّجَاءِ الْبَاضِطِرَارِ إِلَى مُرَافَقَةِ
الْأَشْرَارِ" ۱۵

کسی که نسنجیده و ناآزموده با دیگران
پیمان دوستی می‌بندد، ناگزیر به رفاقت و
دوستی با اشرار و افراد فاسد تن در می‌دهد."

و در جای دیگر حضرت می‌فرماید: مَنْ
اتَّخَذَ أَخًا بَعْدَ حُسْنِ الإِخْتِيَارِ دَامَتْ صُحْبَتُهُ
وَتَأَكَّدَتْ مَوَدَّتَهُ ۱۶

"هر کس پس از آزمایش، کسی را به
دوستی برگزیند، رفاقتش پایدار و مودتش
استوار خواهد ماند."

از این چند روایت فهمیده می‌شود که باید
در اصل دوستی توجه کرد و بدون مطالعه و
بررسی نباید با کسی پیمان دوستی بست.

امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌فرماید: "يَا
بُنَى إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الْأَخْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ

فَيَضُرُّكَ ۱۷

فرزندم از دوستی با شخص نادان و احمق
بپرهیز، زیرا او می‌خواهد به سود تو کاری
انجام دهد، ولی بر اثر حماقت مایه ضرر تو
می‌شود.

علی علیه‌السلام سفارش می‌کند: "لَا تَصْحَبِ
الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَشْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَ أَنْتَ
لَأَتْلَمَّ" ۱۸

از دوستی با شخص فاسد دوری کن که
به‌طور ناخود آگاه تحت تأثیر انحراف و بدی او
قرار می‌گیری.

باز امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: "لَا
تَصْحَبِ الْمَالِقَ فَيَزِيئُ لَكَ فِعْلَهُ وَ يُوَدُّ أَنْتَ بِشَلَّةٍ" ۱۹
با شخص چاپلوس دوستی مکن، او با تملق
کار ناروای خود را در نظرت زیبا جلوه می‌دهد
و دوست دارد که تو نیز مانند وی باشی.

امام زین‌العابدین علیه‌السلام در روایتی
دیگر خطاب به فرزندش می‌فرماید:

"فرزند عزیزم مواظب باش با پنج گروه دوستی
و رفاقت نکنی و با آنها هم کلام نشوی و با آنها
همسفر نگردی!

فرزندشان می‌پرسد: پدرجان آنان چه
کسانی هستند؟

امام در جواب فرمود: با آدم دروغگو
دوستی مکن، چه او مانند سرابی است که

مطالب را بر خلاف واقع نشان می‌دهد، دور را
نزدیک و نزدیک را دور جلوه‌گر می‌سازد. از
رفاقت با فرد لالایی و گناهکار اجتناب کن، زیرا

چنین شخصی تو را به بهای یک لقمه یا کمتر از
آن می‌فروشد. از رفاقت با شخص بخیل پرهیز
کن که او در ضروری‌ترین مواقع نیازمندی به او،

تو را یاری نخواهد کرد. از دوستی با شخص ابله
نیز برحذر باش که می‌خواهد تو را کمک کند،



علی علیه السلام می فرماید: "مَنْ دَخَاكَ إِلَى
الدَّارِ الْبَاقِيَّةِ وَأَخَانَكَ عَلَى الْعَمَلِ فَهُوَ الصَّدِيقُ
الشَّفِيقُ"^{۲۲}

دوست دلسوز کسی است که تو را به آخرت
سفارش کند و در انجام عمل صالح تو را یاری
رساند.

امام علی علیه السلام در روایتی به دوستی با
علماء، خردمندان، حکیمان و اشخاص بردبار
سفارش کرده اند. ^{۲۳} همچنانکه امام صادق
علیه السلام فرموده اند: کسی که سه بار به تو
غضب گرفت و از دست تو عصبانی شد، ولی
درباره تو به بدی سخن نگفت، او را به دوستی
خود انتخاب کن. ^{۲۴}

پی نوشتها:

۱- فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذكر فيه اسمه ،
سوره نور، آیه ۳۶

ولی ضرر می زند. از مصاحبت با کسی که قطع
رحم کرده نیز بر حذر باش که چنین شخصی در
کتاب خدا مورد لعن و نفرین قرار گرفته
است. ^{۲۰}

آنچه از این روایات بر می آید توصیه و
سفارش به دقت کردن در انتخاب دوست و
داشتن معیار در گزینش دوست است. البته در
این دسته از روایات، بیشتر به جنبه های سلبی
اشاره شده بود. روایات دیگر نیز داریم که در
آن اشاره شده است چه کسانی را برای دوستی
و همنشینی خود برگزینیم.

قرآن کریم می فرماید: "وَاصْبِرْ نَفْسَكَ
مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْقَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ
وَجْهَهُ..."^{۲۱}

"با کسانی که پروردگارش را صبح و شام
می خوانند و خشنودی او را می خواهند، با آنان
شکیبایی پیشه کن و (همراه باش).